

گزیدهٔ امثال و حکم
و ضرب‌المثل‌های رایج در زبان فارسی
برای ناشنویان ایرانی

نویسنده

طاہرہ محمدپور

سرشناسه	: محمدپور، طاهره، ۱۳۲۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: گزیده امثال و حکم و ضرب‌المثل‌های رایج در زبان فارسی برای ناشنوایان ایرانی / طاهره محمدپور.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۱ ص: مصور.
شابک	: ۲۲۰۰۰ ریال: 978-964-8863-36-9
وضعیت فهرست‌نویسی	: قیبا
موضوع	: ضرب‌المثلهای فارسی -- مصور.
شناسه افزوده	: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۷ ۲۲۷۷۲/م۲۹۹۶ PIR
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۸ / ۹۱۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۲۱۸۰۲۸

نام کتاب: گزیده امثال و حکم و ضرب‌المثل‌های رایج در زبان فارسی
برای ناشنوایان ایرانی

تألیف: طاهره محمدپور

حروفچینی و صفحه‌آرایی: نوآور

طراح جلد: مونا کیانی طاری

ناظر چاپ: امیر محمد کیودهن

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۲۲۰۰۰ ریال

نوبت چاپ: اول

چاپ: مهدیه

سال انتشار: ۱۳۸۷

ناشر: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

نشانی: اوین، بلوار دانشجو، خیابان کوردکیار، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

تلفن: ۲۲۱۸۰۱۱۵

فاکس: ۲۲۱۸۰۰۸۱

شابک: 978-964-8863-36-9 ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۶۳-۳۶-۹ ISBN:

همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است

سخن ناشر

اصلاح و بهبود کمی و کیفی فرآیند نشر و چاپ کتاب همواره با دشواری‌های جدی همراه بوده است، و به دلیل اهمیت کار مستلزم هماهنگی لازم بین ساختارهای موجود علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، اجرائی و... در سطوح مختلف می‌باشد.

دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی که یکی از متولیان تربیت نیروی متخصص در زمینه پیشگیری، کاهش مشکلات و آسیب‌های اجتماعی در جامعه می‌باشد، می‌کوشد تا به رغم تمام سختی‌ها در این راه گام بردارد و به نشر آثار پردازد تا برآیند نتیجه آن منجر به افزایش دانش و تغییر در افکار و رفتار جمعی شود.

انتشارات دانشگاه امیدوار است با عنایت ایزد منان، هم‌باری و هم‌اندیشی صاحب‌نظران و اهل فن در این راه پرفراز و نشیب موفق شود لذا کلیه اساتید و متخصصان عزیز را به همکاری گرم و صمیمانه دعوت می‌کند.

از آنجا که یکی از گروه‌های هدف این دانشگاه ناشنویان می‌باشد لذا خود را در دستیابی به حقوق اجتماعی آنان سهم می‌داند.

همچنین از آنجا که افراد ناشنوا به دلیل محرومیت از قدرت شنوایی، زبان جامعه خود را به راحتی نمی‌آموزند، نیازمند آموزش‌های خاص می‌باشند. بنابراین کتاب حاضر که با سعی و همت و نیز نوآوری سرکار خانم محمدپور کارشناس مجرب در این امر تهیه شده، می‌تواند با استفاده از روش صورت به صورت و القاء مفاهیم در جملات کوتاه ناشنویان عزیز را کمک و یاری نماید.

آموزش از این طریق نیز می‌تواند زمینه مهمی در ارتقای سطح فرهنگ این قشر از جامعه باشد و موجب برقراری ارتباط بهتر آنان با افراد گردد.

به طور قطع و یقین این کتاب گام مهمی در چگونگی برقراری ارتباط ناشنویان با جامعه خواهد داشت لذا استفاده از آن به کلیه عزیزان ناشنوا و اشخاصی که با آنها سر و کار دارند توصیه می‌شود.

انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

فهرست مطالب

پیشگفتار

مقدمه

- ۱ آب آبادانی است.
- ۲ آب از آب تکان نمی خورد.
- ۳ آب از دستش نمی چکد.
- ۴ آب از دهانش سرازیر شده.
- ۵ آب از سرچشمه گل است.
- ۶ آب با غربال پیمودن.
- ۷ آب در هاون کوبیدن.
- ۸ آب روشنایی است.
- ۹ آدم به امید زنده است.
- ۱۰ آدم بی سواد کور است.
- ۱۱ آدم تا کوچکی نکند بزرگ نشود.
- ۱۲ آدم خوش معامله (حساب) شریک مال مردم است.
- ۱۳ آدم دروغگو کم حافظه است.
- ۱۴ آدم دست پاچه کار را دوبار انجام می دهد.
- ۱۵ آدم گرسنه ایمان ندارد.
- ۱۶ آسیاب به نوبت.
- ۱۷ آتش دهان سوزی نیست.
- ۱۸ آتش نخورده و دهن سوخته.
- ۱۹ آنکس که به یک حال بماند خدا است.
- ۲۰ آواز دُهل شنیدن از دور خوش است.
- ۲۱ اجاقش کور است.
- ۲۲ احتیاج مادر اختراع است.
- ۲۳ از اینجا رانده، از آنجا مانده.

- از تو حرکت، از خدا برکت..... ۲۴
- از حلوا حلوا گفتن دهن شیرین نمی شود..... ۲۵
- از دماغ فیل افتاده است..... ۲۶
- از زیاد دویدن کفش پاره می شود..... ۲۷
- از سایه خودش می ترسد..... ۲۸
- استخوان خرد کردن..... ۲۹
- استخوان لای زخم گذاشتن..... ۳۰
- اگر بیل زنی برو زمین خودت را بیل بزن..... ۳۱
- اگر حسود نباشد جهان گلستان است..... ۳۲
- اگر دیر آمدم، شیر آمدم..... ۳۳
- اگر کاردش بزنی خونش در نمی آید..... ۳۴
- اگر مهمان یکی باشد صاحبخانه گاو می کشد..... ۳۵
- انگور خوب را شغال می خورد..... ۳۶
- این شتری است که در خانه همه می خوابد..... ۳۷
- این کلاه برای سرش گشاد است..... ۳۸
- این گوی و این میدان..... ۳۹
- با پا پس می زند با دست پیش می کشد..... ۴۰
- با پنجه سر بریدن..... ۴۱
- با خدا باش، خدا باتوست..... ۴۲
- با خدادادگان ستیزه مکن..... ۴۳
- باد آورده را باد می برد..... ۴۴
- باد به پشتش خورده..... ۴۵
- با دمش گردو می شکند..... ۴۶
- بار خود را بستن..... ۴۷
- بار کج به منزل نمی رسد..... ۴۸
- بازی بازی با ریش بابا هم بازی..... ۴۹
- با طناب پوسیده کسی به چاه رفتن..... ۵۰
- بالای سیاهی رنگی نیست..... ۵۱

- ۵۲ با هر دستی بدهی با همان دست پس می‌گیری.....
- ۵۳ با هر گلی خاری است.....
- ۵۴ با یک دست نمی‌توان دو هندوانه برداشت.....
- ۵۵ با یک گل بهار نمی‌شود.....
- ۵۶ ببینیم و تعریف کنیم.....
- ۵۷ بترس از کسی که از خدا ترسد.....
- ۵۸ بچه حکم طوطی را دارد.....
- ۵۹ بچه عزیز است، تربیت از او عزیزتر است.....
- ۶۰ بچه هر کس پیش او عزیز است.....
- ۶۱ برای کسی بمیر که برایت تب کند.....
- ۶۲ برای نهادن چه سنگ و چه زر.....
- ۶۳ برای همه مادر است برای ما زن بابا.....
- ۶۴ برف پیری بر سر کسی نشستن.....
- ۶۵ برو فکر نان کن که خربزه آب است.....
- ۶۶ بزرگی به عقل است نه به سال.....
- ۶۷ بُزک نمیر بهار میاد. کمبوزه با خیار میاد.....
- ۶۸ به دریا می‌رود آب دریا خشک می‌شود.....
- ۶۹ بهشت آنجا است که آزاری نباشد.....
- ۷۰ به هر کجا که روی آسمان همین رنگ است.....
- ۷۱ بینی‌اش را بگیری جانش در می‌رود.....
- ۷۲ پا به سال گذاشتن.....
- ۷۳ پا را از گلیم خود درازتر کردن.....
- ۷۴ پا را در یک کفش کردن.....
- ۷۵ پارسال دوست، امسال آشنا.....
- ۷۶ پایش لب گور است.....
- ۷۷ پُز عالی، جیب خالی.....
- ۷۸ پشتش باد خورده.....
- ۷۹ پنج انگشت برادرند اما برابر نیستند.....

- پولش از پارو بالا می‌رود..... ۸۰
- پی نخود سیاه فرستادن..... ۸۱
- پول حلال مشکلات است..... ۸۲
- تخم مرغ دزد شتر دزد می‌شود..... ۸۳
- ترک عادت موجب مرض است..... ۸۴
- تر و خشک با هم می‌سوزند..... ۸۵
- تکه بزرگش گوشش است..... ۸۶
- توش خودش را می‌کشد، بیرونش مردم را..... ۸۷
- توی دعوا حلوا تقسیم نمی‌کنند..... ۸۸
- توی دهن شیر می‌رود و بیرون می‌آید..... ۸۹
- تیشه به ریشه خود زدن..... ۹۰
- جایی نمی‌خواهد که آب زیرش برود..... ۹۱
- جلوی ضرر را از هرکجا بگیرند منفعت است..... ۹۲
- جواب ابلهان خاموشی است..... ۹۳
- جیبش تار عنکبوت بسته..... ۹۴
- چاقو دسته خودش را نمی‌برد..... ۹۵
- چاه کن همیشه ته چاه است..... ۹۶
- چشم و دلش سیر است..... ۹۷
- چشم و دلش می‌دود..... ۹۸
- چشم و گوش بسته است..... ۹۹
- چوب را که برداری، گربه دزده فرار می‌کند..... ۱۰۰
- حرف حق تلخ است..... ۱۰۱
- حرف راست را از بچه پیرس..... ۱۰۲
- حسد درد بی‌درمان است..... ۱۰۳
- خدا بزرگ است..... ۱۰۴
- خدا پنج انگشت را یکسان (یک اندازه) نکرد..... ۱۰۵
- خدا دانا است..... ۱۰۶
- خرش به گل مانده است..... ۱۰۷

- ۱۰۸ خَرِما از کرگی دُم نداشت.
- ۱۰۹ خروار نمک است. مثقال هم نمک است.
- ۱۱۰ خروس بی محل.
- ۱۱۱ خم ر نگرزی نیست.
- ۱۱۲ خندیدن هم دل خوش می خواهد.
- ۱۱۳ خواستن توانستن است.
- ۱۱۴ خود را به موش مردگی زدن.
- ۱۱۵ خون از بینی کسی نیامد.
- ۱۱۶ خون را با خون نمی شویند.
- ۱۱۷ خونش به جوش آمده.
- ۱۱۸ خیابان گز می کند.
- ۱۱۹ درآمد مرد را بخشنده دارد.
- ۱۲۰ در باغ سبز نشان دادن.
- ۱۲۱ در بیابان کفش کهنه نعمت است.
- ۱۲۲ در جنگ حلوا قسمت نمی کنند.
- ۱۲۳ در خانه قاضی گردو بسیار است اما شماره هم دارد.
- ۱۲۴ درد کوه را آب می کند.
- ۱۲۵ دروغگو دشمن خدا است.
- ۱۲۶ دزد حاضر، بز حاضر.
- ۱۲۷ دست بالای دست بسیار است.
- ۱۲۸ دست به عصا راه رفتن.
- ۱۲۹ دستم نمک ندارد.
- ۱۳۰ دستی از دور بر آتش داشتن.
- ۱۳۱ دسته گل به آب دادن.
- ۱۳۲ دمش را روی کولش گذاشت و رفت.
- ۱۳۳ دنداننی را که درد می کند باید کشید.
- ۱۳۴ دو پا را در یک کفش کرده.
- ۱۳۵ دیگ به دیگ می گوید رویت سیاه.

- ۱۳۶ راستی موجب رضای خدا است.
- ۱۳۷ رطب خورده منع رطب چون کند؟
- ۱۳۸ روده کوچیکه روده بزرگه را خورد.
- ۱۳۹ روغن ریخته جمع نمی شود.
- ۱۴۰ ریش و قیچی در دست کسی بودن.
- ۱۴۱ ریگ در کفش داشتن.
- ۱۴۲ زاغ سیاه کسی را چوب زدن.
- ۱۴۳ زبان خوش مار را از سوراخ بیرون می آورد.
- ۱۴۴ زبانم مو در آورد.
- ۱۴۵ زخم زبان بدتر از زخم شمشیر است.
- ۱۴۶ زمستان رفت و روسیاهی به ذغال ماند.
- ۱۴۷ زیر بغل کسی هندوانه گذاشتن.
- ۱۴۸ زیر پای کسی پوست خربزه گذاشتن.
- ۱۴۹ زیر کاسه نیم کاسه ای هست.
- ۱۵۰ زینت مرد دانش و هنر او است.
- ۱۵۱ سیلش آویزان شده.
- ۱۵۲ سبیل کسی را چرب کردن.
- ۱۵۳ ستاره را نمی تواند بالای سر خود بیند.
- ۱۵۴ سرد و گرم روزگار را چشیدن.
- ۱۵۵ سرش به سنگ خورده است.
- ۱۵۶ سرش توی حساب آمده است.
- ۱۵۷ سر مردمی رود قولش نمی رود.
- ۱۵۸ سکوت علامت رضایت است.
- ۱۵۹ سنگ صاحبش را نمی شناسد.
- ۱۶۰ سنگ بزرگ نشانه (علامت) نزدن است.
- ۱۶۱ سنگ روی یخ شدن.
- ۱۶۲ سیر از گرسنه خبر ندارد.
- ۱۶۳ شاخ به شاخ پریدن.

- ۱۶۴ شاخ به شاخ شدن (با کسی).....
- ۱۶۵ شتر در خواب بیند پنبه‌دانه.....
- ۱۶۶ شیر که پیر می‌شود، روباه سوارش می‌شود.....
- ۱۶۷ شیری یا روباه؟.....
- ۱۶۸ صابونش به تن همه خورده است.....
- ۱۶۹ صبر تلخ است ولیکن بر شیرین دارد.....
- ۱۷۰ صبر و ظفر دوستان قدیم‌اند.....
- ۱۷۱ صد تا چاقو بسازد یکیش دسته ندارد.....
- ۱۷۲ ضرر تلخ است.....
- ۱۷۳ طبل تو خالی.....
- ۱۷۴ عبادت به جز خدمت خلق نیست.....
- ۱۷۵ عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد.....
- ۱۷۶ عقل مردم در چشم آنها است.....
- ۱۷۷ علف باید به دهان بزی شیرین بیاید.....
- ۱۷۸ علم نور است و نادانی تاریکی.....
- ۱۷۹ عمر سفر کوتاه است.....
- ۱۸۰ غصه آدم را آب می‌کند.....
- ۱۸۱ کار امروز را به فردا می‌فکن.....
- ۱۸۲ کارد به استخوانش رسیده.....
- ۱۸۳ کاسه از آتش گرم‌تر.....
- ۱۸۴ کاسه‌ای زیر نیم کاسه است.....
- ۱۸۵ کار نیکو کردن از پُر کردن است.....
- ۱۸۶ کجدار و مریز.....
- ۱۸۷ کم بخور، همیشه بخور.....
- ۱۸۸ گاو پیشانی سفید.....
- ۱۸۹ گاوش زاییده.....
- ۱۹۰ گرگ باران دیده.....
- ۱۹۱ گل بی عیب خدا است.....

- ۱۹۲ مثل آبی که روی آتش بریزند.
- ۱۹۳ مرغ همسایه غاز است.
- ۱۹۴ مرغ یک پا دارد.
- ۱۹۵ موی را از ماست کشیدن.
- ۱۹۶ مویش را آتش زدند.
- ۱۹۷ ناخن خشک است.
- ۱۹۸ هر چه خدا خواست همان می شود.
- ۱۹۹ هر کس که ریش دارد بابا نیست.
- ۲۰۰ هم خدا را می خواهد هم خرما را.
- ۲۰۱ منابع و مأخذ:

www.ketab.ir

پیشگفتار

همه انسانها در جامعه خود با هر میزان توانمندی، محدودیت و معلولیت، دارای حقوق فردی و اجتماعی هستند و این امر یک اصل پذیرفته شده جهانی است. در اکثر کشورهای جهان برای افرادی که به نحوی دارای محدودیت و معلولیت هستند سازمانها و ارگانهایی وجود دارند که متولی خدمت‌رسانی و احقاق حقوق فردی و اجتماعی آنانند. در کشور جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی و سازمان بهزیستی کشور مسئول تحقق و دستیابی افراد و گروه‌های هدف به حقوق اجتماعی خود هستند، تا آنها بتوانند از حقوق برابر با سایر افراد جامعه برخوردار گردند. یکی از راههای این برخورداری، ایجاد زمینه استفاده از فرصت‌های برابر در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی است.

از زمره این گروه‌های هدف ناشنوایان هستند. برای افراد ناشنوا، و نوجوانان و جوانان این گروه به خصوص آنهایی که به جز ناشنوایی مشکل خاص دیگری ندارند و از بهره‌های هوشی متوسط به بالا برخوردارند، اهم فرصت‌ها، استفاده برابر در زمینه خواندن و مطالعه است. آنچه این امر را امکان‌پذیر می‌سازد در اختیار داشتن کتابهای مناسب‌سازی شده می‌باشد. مطالعه چنین کتابهایی می‌تواند گام مهمی در جهت ارتقاء کمی و کیفی فراگیری زبان جامعه گردیده و به تبع آن موجب رشد و بالندگی اجتماعی و تحصیلی آنان شود و سازگاری بهتر اجتماعی آنان را فراهم آورد. معاونت پژوهشی دانشگاه از گذشته تاکنون به این امر مهم توجه داشته است و کتاب حاضر از جمله کتابهای مناسب‌سازی شده برای ناشنوایان است.

طاهره محمدپور

زبان و فرهنگ هر جامعه‌ای میراث ارزشمند و گرانبهای گذشتگان آن جامعه است و انسانها برای تفهیم و تفاهم و درک یکدیگر، از زبان مشترک و رایج جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند بهره می‌گیرند.

همه افرادی که به دنیا می‌آیند وارث زبان و فرهنگ پیشینیان خویشند. آنها در آغوش خانواده، زبان جامعه‌ای را که قرار است در آینده عضوی از آن باشند می‌آموزند و از لوازم این آموزش و فراگیری، برخوردار می‌شوند. از هوش در حد طبیعی به بالا و سلامت دستگاه شنوایی و گفتاری است.

اگر بنا به هر دلیلی فرد نتواند زبان متداول جامعه را از محیط اطراف خود به طور طبیعی فرا بگیرد و مجبور باشد، از زبان دیگری به غیر از زبان جامعه استفاده نماید، دوزبانه محسوب می‌شود. افراد ناشنوا در سراسر دنیا به مفهوم واقعی کلمه و به شدت دوزبانه هستند. تفاوت زبانی به میزان زیادی باعث تفاوت فرهنگی آنها با سایر افراد جامعه شده و در گروه همسانان خود صاحب خرده فرهنگ خاص خود می‌گردند. افراد جامعه ناشنوا به دلیل محرومیت از حس شنوایی، زبان جامعه بزرگتری را که از آن برخاسته‌اند خود به خود و به راحتی یاد نمی‌گیرند و نیاز به آموزش‌های مستقیم و رخ به رخ (*Face to Face*) دارند، به همین دلیل محدودیت زیادی را در دستیابی به منابع فرهنگی متداول، آداب و رسوم و ارزشهای اجتماعی پیدا می‌کنند. برای رفع این محدودیتها لازم است تمهیدات مناسب اندیشیده شود. از جمله می‌توان با آموزشهای مستقیم فرهنگی افزایش آگاهی و به تبع آن تغییر نگرش لازم را بوجود آورد و از تفاوتهای فرهنگی که موجب انزوای فردی و گروهی ناشنوایان و ایجاد فاصله و تفاوت بین افراد شنوا و ناشنوای جامعه می‌گردد، کاست. این مهم اقداماتی گسترده، مداوم و پیوسته با استفاده از شیوه‌های اطلاع رسانی مناسب را می‌طلبد، و مناسب‌سازی منابع فرهنگی غنی در زبان فارسی می‌تواند از جمله این اقدامات باشد. کتاب حاضر در پی ارائه دست‌آوردی از این منظر است.